



# MLJ

مجله حقوق پزشکی

ویژه نامه نوآوری حقوقی، ۱۴۰۰

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



مقاله پژوهشی

## تحلیل مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری خشونت علیه زنان

جمال‌الدین محمد شیخ بهایی<sup>۱</sup> ID، علی بهرامی نژاد<sup>۲</sup> \* ID، محمد بهرامی خوشکار<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. دانشیار گروه فقه و حقوق خصوصی، مدرسه عالی و دانشگاه شهید مطهری (ره)، تهران، ایران.

### چکیده

**زمینه و هدف:** خشونت علیه زنان پدیده‌ای است ناپسند که به انحاء مختلف نظیر خشونت فیزیکی، روحی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسی به وقوع می‌پیوندد و پرداختن به این موضوع امری اجتناب‌ناپذیر است. هرچند قانون‌گذار در قوانین جزایی، احکام مربوط به این موضوع را تبیین و تقنین کرده است، لیکن در قانون حمایت خانواده توجهی بدان نداشته است.

**مواد و روش‌ها:** این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

**یافته‌ها:** در یافته‌های پژوهش مشخص شد اولاً در رژیم‌های حقوقی مختلف، معیارهای مشترکی درخصوص جرم‌انگاری جرایم خانواده وجود دارد. ثانیاً به منظور اثربخش بودن جرم‌انگاری، این فرایند باید با ارزش‌ها و ملاک‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و روحیات آحاد جامعه هماهنگی داشته باشد. نهایتاً در زمینه مشروعیت جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه می‌توان به مبانی فقهی نظیر آیات و روایات اشاره نمود که صراحتاً خشونت علیه زوجه را تقبیح یا تحریم کرده‌اند.

**ملاحظات اخلاقی:** در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

**نتیجه‌گیری:** در زمینه مشروعیت جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه به عنوان یکی از جرایم مهم حوزه خانواده می‌توان به مبانی فقهی معتبری اشاره نمود؛ آیاتی از قرآن کریم و همچنین روایات معصومین (ع) نیز مؤید این ادعا بوده است که به صراحت خشونت علیه زوجه را تقبیح و در برخی موارد تحریم کرده و حتی در برخی موارد مانند قذف زوجه، زوج را مستحق مجازات حد قذف دانسته است که به نوعی مجازات سنگین بدنی محسوب می‌گردد.

### اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۲/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۵/۱۸

### واژگان کلیدی:

خشونت علیه زنان  
جرایم علیه خانواده  
مبانی جرم‌انگاری  
نظم اجتماعی

### \* نویسنده مسؤؤل:

علی بهرامی نژاد

آدرس پستی: ایران، تهران، دانشگاه  
آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی،  
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی.

کد پستی: ۱۱۴۸۹-۶۳۵۳۷

تلفن: ۲۱-۷۷۵۲۸۷۲۶

پست الکترونیک:

[Ali.b.nejad@gmail.com](mailto:Ali.b.nejad@gmail.com)

## ۱. مقدمه

خانواده مهم‌ترین مکان برخورد خصوصیات زن و مرد است. زیرا هم نیازهای روحی و عاطفی انسان‌ها را فراهم نموده و هم روحیه همکاری و فداکاری را در آنها تقویت کرده است. همچنین موجب ظهور استعدادهای انسان می‌شود. دلیل تأکید اسلام بر ازدواج نیز در این امر نهفته است. خانواده حلقه ارتباط بین فرد و جامعه می‌باشد و نقش عمده‌ای در پیوند آنها ایفا می‌کند (۱).

یکی از مشکلات اجتماعی که در همه جوامع بشری خانواده را مورد تهدید قرار داده، خشونت علیه اعضای خانواده بخصوص زنان است که باعث نزول مقام زن و از بین رفتن کرامت و شخصیت وی می‌گردد. به گفته دکتر خدائیان، معاون حقوقی قوه قضاییه در مصاحبه با خبرگزاری مهر، با مقایسه آمارهای داده شده توسط سازمان‌های بهزیستی و پزشکی قانونی مشخص می‌گردد، اورژانس اجتماعی در سال گذشته سیزده هزار و سیصد و هفتاد مورد همسرآزاری ثبت کرده و مطابق داده‌های سازمان پزشکی قانونی در سال گذشته فقط نه هزار و پانصد مورد، ادعای همسرآزاری در مراکز پزشکی قانونی استان تهران به ثبت رسیده و آمار دیگر استان‌ها نیز قابل توجه می‌باشد. همچنین درصد بالایی از قتل‌های خانگی بین زوجین رخ داده است. طبق آمار موجود در کشور ما نیز خشونت علیه زنان متأهل واقع می‌شود که بررسی آن امری اجتناب‌ناپذیر است. برخی محققین عقیده دارند، این پدیده در کشور ما از زمان‌های دور وجود داشته و حتی در دوران شکوفایی جامعه ایرانی و اسلامی هم‌چون عصر صفویه، خشونت علیه زنان به نوعی نهادینه شده بود. در دوره صفویه، زنان قربانیان نظام سنتی و پدرسالار جامعه ایران بودند. در آن زمان تفاوتی بین زنان عادی جامعه و زنان قشر مرفه برای ایمن بودن از خشونت مردان و یا داشتن آزادی عمل وجود نداشت. زنان در جامعه ایران عهد صفوی، عنصر درجه دوم محسوب می‌شدند و فاقد هرگونه استقلال و امنیت در برابر مردان بودند. همین امر سبب اعمال هر نوع خشونت و محدودیت علیه زنان می‌شد (۲). لذا این مشکل اجتماعی باید به گونه‌ای نهادی ریشه‌یابی شود تا بتوان راه‌حلی برای آن ترسیم نمود.

با بررسی نتایج تحقیقات درمی‌یابیم که بین حمایت اجتماعی و خشونت خانگی علیه زنان رابطه خطی وجود دارد و مطابق نظریه کنترل اجتماعی، زمانی که بازرسی‌های اجتماعی اعم از رسمی و قانونی و غیررسمی کاهش می‌یابد، میزان رخ دادن آسیب‌های اجتماعی چون خشونت زیاد می‌شود (۳). هرگاه نظارت و حمایت اجتماعی اعضای خانواده نسبت به زن کاهش یابد، در واقع کنترل اجتماعی غیررسمی کاهش یافته و فرد جهت رفتار خشونت‌آمیز آزادی بیشتری دارد و یا زمانی که جامعه بر رفتار افراد کنترل نداشته باشد، احتمال بروز این رفتارها افزایش می‌یابد (۴).

باید توجه نمود که این مسئله دارای ابعاد گوناگون و گسترده‌ای است که ریشه در فرهنگ، تربیت و روحیات افراد دارد. لذا مطالعات این حوزه را نمی‌توان به صورت تک بعدی بررسی نمود، بلکه باید همه جوانب و دلایل خشونت علیه زنان را مورد بررسی قرار داد. آنچه در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفته صرفاً جنبه قانون‌گذاری موضوع جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه است که با رویکرد فقهی و حقوقی این مسئله را بیان نموده است.

در قانون حمایت از خانواده، خشونت علیه زنان جرم تلقی نشده ولی قانون‌گذار در قانون مجازات احکام مربوط به آن را قانون‌گذاری و بیان داشته است. ولی بررسی این موضوع در حقوق خانواده اهمیت زیادی دارد؛ آن‌گونه که بیان شده منشأ خشونت مردان علیه زنان یا فرزندان، اختلافات خانوادگی در موارد مختلف است.

از سوی دیگر با مطالعه و توجه به منابع پژوهش و تحقیقات انجام شده در این مورد درمی‌یابیم موضوع مورد بحث را از نظر حقوقی و قانون‌گذاری بررسی شده؛ لذا در این پژوهش از بیان مبانی حقوقی جرم‌انگاری خشونت علیه خانواده صرف‌نظر کرده و فقط از جهت جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه را از نظر منابع معتبر فقهی بررسی کرده‌ایم. این پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی تألیف گردیده، ضمن پاسخگویی به این سؤال که جرم‌انگاری خشونت علیه زنان بر مبنای کدام قواعد فقهی صورت گرفته است؟ تلاش می‌کند از طریق گردآوری داده‌های

سال ۱۳۹۸ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، خشونت خانگی علیه زنان مشکل اجتماعی مهمی است که پژوهش‌های بسیاری از سوی جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان برای شناسایی عوامل این مشکل و پیشگیری یا کاهش آن انجام شده است. این پژوهش‌ها با وجود بررسی نقش عوامل اجتماعی و فردی چون سن، اقتصاد، فرهنگ و... نسبت به تبیین قوانینی که خود می‌توانند زمینه اعمال خشونت خانگی علیه زنان را فراهم آورند کم توجهی نشان داده‌اند. همین امر انگیزه‌ای شد تا پژوهش حاضر به بررسی تأثیر قوانین بر افزایش خشونت خانگی علیه زنان بپردازد. پژوهش حاضر از نظر شیوه اجرا، کیفی و از نظر نوع، توصیفی-تبیینی است. جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان در شهر تهران تشکیل داده‌اند. نمونه‌گیری به شیوه در دسترس انجام و با ۶۵ نفر اشباع نظری حاصل شد. جمع‌آوری داده‌ها به شیوه مصاحبه نیمه ساختاریافته و به شکل حضوری، تلفنی و همچنین در شبکه‌های مجازی انجام شد و داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوا مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. شناسایی مواد مختلف قانون مدنی و مجازات اسلامی و سایر قوانین که می‌تواند تأثیر بسیار در افزایش شمار خشونت خانگی علیه زنان داشته باشد، نشان داد جرم‌انگاری‌ها و کیفرگذاری‌های متعدد در لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، تا زمان اصلاح قوانینی که خود بسترساز ایجاد، تقویت و شیوع خشونت علیه زنان هستند و فرهنگ مردسالارانه و قیّم‌آبانه مردان نسبت به همسران خود را به جامعه تزریق می‌کنند، نمی‌تواند در کنترل خشونت موثر باشند بلکه تنها به تورم جزایی و افزایش جمعیت کیفری منجر می‌شود؛ امری که همسانی چندانی با سیاست‌های کلان و اعلام‌شده از سوی مقام معظم رهبری ندارد. این تحقیق پیشنهاد می‌کند که اگر هدف واقعی از طرح لوایحی همچون تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، مقابله با پدیده خشونت خانگی علیه زنان و تأمین امنیت آنان ضمن حفظ کیان خانواده است، در درجه اول قوانین حاضر که بعضاً خود شرایط اعمال خشونت را فراهم کرده و باعث ترویج این پدیده می‌شود اصلاح گردد (۴).

کتابخانه‌ای و منابع معتبر فقهی، عمل تأیید و رد جرم‌انگاری خشونت علیه زنان را از نظر فقه اسلامی بررسی نماید.

## ۲. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

## ۳. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

## ۴. یافته‌ها

در یافته‌های پژوهش مشخص شد اولاً در رژیم‌های حقوقی مختلف، معیارهای مشترکی درخصوص جرم‌انگاری جرایم خانواده وجود دارد. ثانیاً به منظور اثربخش بودن جرم‌انگاری، این فرایند باید با ارزش‌ها و ملاک‌های اجتماعی، فرهنگی، دینی و روحیات آحاد جامعه هماهنگی داشته باشد. نهایتاً در زمینه مشروعیت جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه می‌توان به مبانی فقهی نظیر آیات و روایات اشاره نمود که صراحتاً خشونت علیه زوجه را تقبیح یا تحریم کرده‌اند. افزون بر این، برخی از قواعد فقهی نظیر قاعده لاضرر، قاعده منع عسر و حرج و قاعده حفظ مصلحت فرد و جامعه در جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه کارآیی لازم را دارند و می‌توان از مفاد آن‌ها در این زمینه بهره‌گرفت.

## ۵. بحث

### ۵-۱. پیشینه تحقیق

مسئله خشونت علیه زنان در برخی از آثار نویسندگان و پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است که در ادامه به مهمترین آن‌ها اشاره می‌کنیم:

مقاله «تأثیر قانون بر ترویج خشونت خانگی علیه زنان (مطالعه کیفی: زنان شهر تهران)» نوشته علی صفاری و همکاران که در

به کمک نظام قضایی در اتخاذ تصمیم در مورد مردانی که مرتکب خشونت خانگی علیه همسرانشان می‌شوند، آمده‌اند. این امر با توجه به راهکارهای بین‌المللی در برخی کشورها منجر به تغییر قوانین به منظور حمایت بهتر از زنان بزه‌دیده خشونت خانگی شده است. در بررسی تطبیقی میان قوانین ایالات متحده آمریکا و ایران ملاحظه می‌شود که در ایران، مقرراتی مانند ماده ۱۱۱۵ قانون مدنی، ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی و لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت خانگی، به نوعی به پیش‌بینی خشونت خانگی اشاره می‌کنند. ولی خشونت خانگی تعریف نشده، قانونی به صورت خاص بدان اختصاص داده نشده و پیش‌بینی آن نیز به صورت علمی مدنظر قرار نگرفته است. در حالی که در آمریکا، راهکارهای مبتنی بر قوانین ماهوی و شکلی بسیاری همچون الزام به گزارش‌دهی، غیرقابل گذشت اعلام کردن، استفاده از حامیان بزه‌دیده، بازداشت موقت و رسیدگی تخصصی نیز پیش‌بینی شده‌اند (۶).

مقاله محسن قدیر و همکاران تحت عنوان «حمایت از زنان در مقابل خشونت جنسی (واکاوی اسناد نسل‌های چهارگانه محاکم بین‌المللی کیفری)» که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، خشونت جنسی علیه زنان، از دیرباز وجود داشته و امروزه نیز جامعه بین‌المللی نظاره‌گر ارتکاب آن است. محاکم بین‌المللی کیفری که رسالت خود را مقابله با بدون کیفر ماندن جنایات بین‌المللی در معنای عام آن می‌دانند، اندک اندک، به سمت و سویی رفته‌اند که به صراحت، خشونت علیه زنان را به مثابه جرم، داخل در صلاحیت ذاتی دادگاه دانسته‌اند؛ حال آن که پیش‌تر، این‌گونه نبوده است. روند تکاملی این مهم به سویی است که کسانی را که درصد بر هم زدن نظم بین‌المللی باشند، از تعقیب در امان نگذارد. مقاله پیش رو از رهگذر تدقیق در اسناد نسل‌های چهارگانه این مراجع قضایی به امکان سنجی مقابله بین‌المللی کیفری با پدیده شوم خشونت جنسی علیه زنان در انحاء گوناگون آن پرداخته و دریافته است سازوکارهای بین‌المللی در مقابله با بی‌کیفرمانی خشونت جنسی به رغم دستاوردهایی که داشته، نتوانسته است مانع از تحقق هرگونه خشونت

مقاله جلال سلطان احمدی و همکاران تحت عنوان «بازخوانی حقوقی-فقهی ضرب زن در متون دینی و آرای امام خمینی (ره)» که در سال ۱۳۹۷ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، تبیین نگرش حقوق اسلام درباره جایگاه زن در جامعه و حقوق وی نه تنها موجب استواری خانواده و تأثیر آن به عنوان عنصر کلیدی در شکل‌گیری بنیان‌های اجتماعی است بلکه زمینه رفع چالش‌هایی چون خشونت علیه زنان خواهد بود. نباید از نظر دور داشت که در جهت رسیدن به ساختار متقن و استوار از نظام خانواده، مطالعات مختلفی حول محور مباحث مرتبط با حقوق زنان و خانواده شکل گرفته است که هر یک در جهت دستیابی به چشم‌اندازی مناسب در این موضوع از اهمیت برخوردارند. از جمله این مباحث که باعث تشکیک و انتقاد به نظام حقوقی اسلام شده ماهیت و چیستی تنبیه زن در نظام فقهی و حقوقی اسلام است. هدف از این مقاله پاسخ‌گویی به تشکیک و انتقادهای وارده با تکیه بر مستندات چون آیه ۳۴ سوره نساء، تفسیرهای موجود از آیه مذکور، استدلال موافقان و مخالفان و انتقادهای وارده است. تا از این رهگذر به دیدگاه واقعی نظام حقوقی اسلام دست یابیم. البته لازم به ذکر است که به دلیل مبنا بودن موازین اسلامی در نظام حقوقی ایران به استناد اصل چهارم قانون اساسی ناگزیر از تأمل در مسئله پیش‌رو در قوانینی چون قانون اساسی و مدنی خواهیم بود (۵).

مقاله حسین غلامی و مهری برزگز تحت عنوان «پیش‌بینی خشونت خانگی علیه زنان و راهکارهای اتخاذی بر مبنای آن» که در سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است. از نظر نویسندگان، خشونت خانگی علیه زنان، پدیده‌ای پنهان، مزمن و فراگیر در تمامی جوامع بشری و دارای آثار سوء بسیاری است. از این رو، برخی پژوهش‌ها، در صدد پیش‌بینی آن برآمده‌اند تا بتوانند از پیامدهای آن جلوگیری کنند. این تحقیقات به تبیین عوامل خطر در مرد بزه‌کار و زن بزه‌دیده، مانند بازه سنی، پیشینه، عوامل روانی و موقعیتی می‌پردازند. همچنین روش‌های آماری با ترکیب عوامل خطر، احتمال ارتکاب خشونت خانگی را به صورت کمی پیش‌بینی می‌کنند. برخی از این آزمون‌ها عبارت‌اند از SARA ODARA, DVSI که در برخی کشورها

برای تصویب قوانین جدید و تقویت نظام حقوقی موجود برای مبارزه با خشونت علیه زنان، فضای بیشتری پیدا می‌کنند.

#### ۴-۵. محدودیت‌های پژوهش

در ارتباط با محدودیت‌های پژوهش حاضر ذکر دو نکته حائز اهمیت است: اول این که در پژوهش حاضر صرفاً خشونت علیه زوجه مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت؛ به تعبیری مفهوم خشونت علیه خانواده و آثار و تبعاتی که خشونت علیه زوجه نسبت به سایر اعضای خانواده دارد، مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. نکته دوم این که، موضوع بحث ما نه بررسی متن قوانین و مقررات موجود، بلکه بررسی و موشکافی مبانی و اصولی می‌باشد که بر پایه آن‌ها، خشونت علیه زنان در نظام حقوقی مورد جرم‌انگاری قرار می‌گیرد.

#### ۵-۵. مفهوم شناسی

در این بخش به منظور روشن شدن موضوع پژوهش واژگان و مفاهیم به طور مختصر تعریف شده است.

#### ۵-۱. خشونت

خشونت از نظر لغوی به معنای زبری، درستی، تندی، پرخاشگری و سختگیری می‌باشد (۸). خشونت مفهومی نسبی است و از دیدگاه جرم‌شناسی، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تعاریف گوناگونی دارد. لذا تعریف جامعی از آن ارائه نشده است. از دیدگاه جامعه‌شناسی خشونت را تعرض و حمله فرد معین به جان، مال یا شرف دیگران تعریف نموده‌اند (۹). برخی دیگر از منظر روان‌شناسی معتقدند خشونت همان شکل افراطی رفتار پرخاش‌گرانه است که ممکن است به شخص قربانی آسیب‌های مشخص وارد کند (۱۰).

با توجه به تعاریف ذکر شده و رویکرد حقوقی می‌توان خشونت را چنین تعریف نمود، خشونت بروز رفتارهایی اعم از فعل یا ترک فعل است که با هدف رساندن آسیب‌هایی اعم از جسمی و روحی به فرد متقابل وارد می‌شود. در مورد خشونت علیه اعضای خانواده و بالاخص علیه زوجه تعاریف گوناگونی ارائه شده است. «پاملا» و «کلر» با بهره‌گیری از قطعنامه سازمان

جنسی گردد. در این راه مقتضی است با به کارگیری عبارات‌های دقیق و روشن و دور از کلی‌گویی، به جرم‌انگاری مصادیق گوناگون خشونت جنسی علیه زنان پرداخته شود (۷).

#### ۲-۵. نوآوری تحقیق با عنایت به تحقیقات مشابه

غالب مطالعاتی که در ارتباط با متغیر اصلی پژوهش حاضر (یعنی خشونت علیه زنان) صورت گرفته است، در ارتباط با مطالعات موردی خشونت‌های خاص مانند خشونت جنسی می‌باشد. اما در پژوهش حاضر، مبانی و اصول حاکم بر مسئله خشونت علیه زنان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در واقع یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند به برای همه پژوهشگرانی که در ارتباط با خشونت علیه زنان فعالیت می‌کنند مورد استفاده قرار گیرد. به بیان ساده‌تر، تأکید بر مبانی و اصول مبنایی جرم‌انگاری خشونت علیه زنان می‌باشد. در واقع بررسی‌های انجام شده در این پژوهش و جستجو در منابع فقهی نمایانگر آن است که برخلاف بیان صریح فقها در مورد خشونت علیه زنان و احکام مربوط به آن، مقاله پژوهشی جامعی که به بیان این مبانی فقهی بپردازد انجام نشده و همین امر جنبه نوآوری تحقیق حاضر محسوب می‌گردد.

#### ۳-۵. اهمیت و ضرورت پژوهش

زنان در جامعه نیز به مانند مردان دارای شخصیت و کرامت انسانی می‌باشند. مطابق با گزارش‌هایی که در قسمت مقدمه به آن‌ها اشاره کردیم، افزایش خشونت علیه زنان، تهدید جدی علیه کرامت و موجب نزول شأن و منزلت زن در جامعه و نسل‌های آینده می‌باشد. در نتیجه لازم است که از تمام ظرفیت‌های موجود برای مبارزه با این پدیده استفاده کنیم. رویکرد مذهبی و دیدگاه‌های فقهی یکی از متغیرهای بسیار مهمی می‌باشد که در جامعه ایران وجود دارد. بررسی مبانی ممنوعیت خشونت علیه زنان در پرتو فقه از دو منظر می‌تواند حائز اهمیت باشد: اول اینکه، افکار عمومی جامعه و همچنین نگاه متخصصین با توسل به ابزار مذهب و اخلاق مذهبی، برای مبارزه با تمام اقسام خشونت علیه زنان مجهز و تقویت می‌شود؛ دوم اینکه، قانون‌گذاران و طراحان قوانین و مقررات

بهداشت جهانی بیان داشته‌اند که خشونت علیه زنان به معنای هر نوع رفتار خشن و وابسته به جنسیت است که موجب احساس تهدید، اجبار، سلب مطلق اختیار و آزادی یا حمله‌ای در جمع یا خفا گردد و اثرش ناراحتی یا تحقیر زن یا دختر باشد و یا او را در برقراری تماس صمیمانه ناتوان نماید. پژوهشگران در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه اعضای خانواده دلایل گوناگونی را ذکر می‌نمایند؛ بعضی عدم حمایت اجتماعی، نبود ارزش‌های معنوی و خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی را از جمله عوامل مؤثر می‌دانند (۱۱).

برخی پذیرفتن اقتدار مردان، اعتیاد شوهر و نوع نگرش جنسی جامعه نسبت به زنان را برجسته‌تر از دیگر عوامل بیان می‌کنند (۱۲). اما جدای از عوامل خشونت خانگی باید اظهار نمود که این پدیده شوم اجتماعی در ابعاد گوناگون آن یکی از عوامل افزایش طلاق در جامعه می‌باشد. گروهی از محققین به این نتیجه رسیده‌اند که خشونت خانوادگی علاوه بر آسیب‌های جسمی سلامت روحی-روانی بر احساس ارزشمند بودن زنان اثر می‌گذارد و دلزدگی زناشویی افزایش می‌دهد (۱۳).

#### ۵-۶. معیارهای جرم‌انگاری در حقوق خانواده

معیارهای پذیرفتن جرم‌انگاری در نظام‌های حقوقی دنیا متفاوت است. برای توجیه جرم‌انگاری یک رفتار معیارهای مختلفی مدنظر قانون‌گذار قرار می‌گیرد. جانانان شنشک جریان جرم‌انگاری را در سه مرحله «توازن دلایل»، «مقبولیت» و «منع ضرر و خسارت» بیان نموده و اعتقاد دارد زمانی که به دنبال جرم‌انگاری رفتاری هستیم آن رفتار باید از این سه مرحله عبور کند و در صورت عدم گذر از این مراحل نمی‌توان آن رفتار را جرم‌انگاری نمود (۱۷).

از مهم‌ترین اصول فلسفی و معیارهای جرم‌انگاری در سیستم قانون‌گذاری ایران می‌توان به حفظ کرامت انسانی، صیانت از فضایل اخلاقی، نگهداری از منافع عمومی، نظم اجتماعی و قدرت پیشگیری از جرم اشاره نمود، که این معیارها را می‌توان در قلمرو حقوق خانواده تعمیم داد. در ادامه به بررسی مختصر این مبانی پرداخته‌ایم.

#### ۵-۶-۱. صیانت از کرامت انسانی

انسان اشرف مخلوقات و جانشین خدا در زمین است و خداوند مقام انسان را عظمت بخشیده و می‌فرماید (اسراء ۷۰) و این کرامت باید در همه حال حفظ شود. حضرت علی (ع) درباره حفظ کرامت می‌فرماید: لیس عای وجه الارض اکرم علی الله سبحانه من النفس المطیعه لامره: بر روی زمین هیچ موجودی

بهداشت جهانی بیان داشته‌اند که خشونت علیه زنان به معنای هر نوع رفتار خشن و وابسته به جنسیت است که موجب احساس تهدید، اجبار، سلب مطلق اختیار و آزادی یا حمله‌ای در جمع یا خفا گردد و اثرش ناراحتی یا تحقیر زن یا دختر باشد و یا او را در برقراری تماس صمیمانه ناتوان نماید. پژوهشگران در بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه اعضای خانواده دلایل گوناگونی را ذکر می‌نمایند؛ بعضی عدم حمایت اجتماعی، نبود ارزش‌های معنوی و خانوادگی و رضایت‌مندی اقتصادی را از جمله عوامل مؤثر می‌دانند (۱۱).

برخی پذیرفتن اقتدار مردان، اعتیاد شوهر و نوع نگرش جنسی جامعه نسبت به زنان را برجسته‌تر از دیگر عوامل بیان می‌کنند (۱۲). اما جدای از عوامل خشونت خانگی باید اظهار نمود که این پدیده شوم اجتماعی در ابعاد گوناگون آن یکی از عوامل افزایش طلاق در جامعه می‌باشد. گروهی از محققین به این نتیجه رسیده‌اند که خشونت خانوادگی علاوه بر آسیب‌های جسمی سلامت روحی-روانی بر احساس ارزشمند بودن زنان اثر می‌گذارد و دلزدگی زناشویی افزایش می‌دهد (۱۳).

#### ۵-۵-۲. مفهوم جرم‌انگاری

اصطلاح جرم‌انگاری مرکب از دو واژه جرم و انگاری می‌باشد که از مصدر «انگاشتن» به معنای گمان، فرض گرفته شده است. جرم‌انگاری از مهم‌ترین مؤلفه‌های حقوق جزا است و فرآیندی است که بر اساس آن اعمال مجرمانه با موازین مشخص و طی روند گزینشی شایسته تعیین می‌شود (۱۴). کورنو عقیده دارد در جرم‌انگاری عملی به عنوان جرم تلقی می‌گردد که تا قبل از آن وصف مجرمانه نداشته است. هم‌چنین گاسین جرم‌انگاری را نوعی محروم‌سازی اجتماعی می‌داند. برخی از پژوهشگران با بیان دیدگاه‌های گوناگون در مورد امکان و عدم امکان جرم‌انگاری در قلمرو خانواده به این نتیجه رسیده‌اند که جرم‌انگاری رفتارهای مجرمانه‌ای است علیه خانواده صورت می‌گیرد (۱۵) و در فقه امامیه و حقوق موضوعه مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان احکام فقهی مبنی بر خودداری از جرم انگاشتن اغلب تخلفات خانوادگی است. بعضی از حکومت‌ها قلمرو



حقوقی در این حوزه فاقد ضمانت اجرای قواعد خود است (۱۹).

در نهاد خانواده همه چیز نسبی، عرفی و تابع شرایط مادی و معنوی زندگی افراد می‌باشد. بسیاری از جرایم که در محیط خانواده رخ می‌دهد شاهدی بر وقوع آن نیست و قاعده معینی برای سنجش آن وجود ندارد. لذا در برخی معضلات روی داده در خانواده علم حقوق و قواعد حقوقی نمی‌تواند به درستی تصمیمات لازم را اتخاذ کند. بنابراین می‌توان حاکمیت قواعد اخلاقی را بر حقوق مقدم داشت و اصول اخلاقی، ضمانت اجرای برخی از ناهنجاری‌ها گردد. به عنوان نمونه، رفتار عادلانه مرد و یا تعیین موارد همکاری زوجین از اموری است که به عرف و اخلاق واگذار می‌شود.

با توجه به علوم قرآنی درمی‌یابیم که اسلام برای حمایت از ارزش‌های اخلاقی جامعه و خانواده جرائمی مانند زنا و لواط را جرم محسوب می‌کند. زیرا این‌گونه جرائم نهاد خانواده را با پیامدهای منفی روبه‌رو می‌کند (اسراء ۳۲، اعراف ۸۰، انبیاء ۷۴). به اعتقاد مفسر قرآن «زنا در هیچ جامعه‌ای رواج نیافت مگر اینکه موجب فروپاشی خانواده شد، از سویی زنا باعث اختلاط نسل‌ها است. در زشتی زنا همین بس که از رکیک‌ترین الفاظ برای بیان ناسزا و سرزنش می‌باشد» (۲۰).

### ۵-۶-۳. برقراری نظم اجتماعی

ایجاد نظم در جامعه امری مهم و اجتناب‌ناپذیر و حفاظت از آن برعهده قانون‌گذار است که با ایجاد قوانین منسجم و تأثیرگذار موجب استقرار نظم در جامعه می‌گردد. نظام اسلامی بر پایه نظم اجتماعی استوار است و دفع هرج و مرج از جامعه بشر را یک امر واجب می‌داند. خداوند در آیه ۲۵۱ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود (علیه السلام) امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزندی عطا فرمود و از آنچه می‌خواست بدو بیاموخت. و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر برنمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرا می‌گرفت، و لیکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است.

کریم‌تر و بزرگوarter و ارزشمندتر نزد خداوند متعال از انسانی که مطیع امر پروردگار باشد، نیست (۱۸).

در این روایت کلمه «اکرم» از ماده کرامت است و در واقع این روایت تعبیر دیگری از آیه «الا الذین آمنوا و عملوا صالحات» است؛ زیرا انسانی که در مسیر ایمان و عمل صالح قرار گرفته است کرامت جدید و مازادی به دست می‌آورد. ارزش ذاتی و کرامت انسانی که خداوند به انسان عطا نموده او را از سیار موجودات برتر ساخته است. بنابراین باید این کرامت ذاتی و حقوقی انسانی حفظ گردد.

سیستم جزایی اسلام نیز با جرم‌انگاری برخی اعمال و رفتارهای ناروا، زنا، تهمت و افترا که در جامعه بشری به وقوع می‌پیوندند، شأن و کرامت انسانی را گرامی می‌دارد. به همین جهت قواعد حقوقی و اجتماعی مطابق با مقررات قرآن می‌باشد، زیرا حفظ کرامت و شخصیت انسان از مهم‌ترین مبانی جرم‌انگاری محسوب می‌گردد و نظر کسانی که اعتقاد دارند جرم‌انگاری جرائم خانواده نیز به دلیل حفاظت از کرامت انسان به خصوص زنان و کودکان است روشن‌گر این موضوع می‌باشد.

جایگاه زن در خانواده و جامعه بسیار مقدس و مهم است و زن محور تربیت نسل‌های بعدی یک جامعه است. بنابراین اگر کرامت و شخصیت زن در جایگاه حفظ نشود و نزول پیدا کند شاهد نقص تربیتی نسل‌های بعد می‌باشیم. قرآن می‌فرماید زنان مایه آرامش و مودت هستند، هم نسبت به همسر و هم نسبت به فرزندان خود می‌باشند (روم ۳۰). بنابراین با توجه به این نگرش خداوند نسبت به شخصیت والای زن باید در نظام قانون‌گذاری کرامت و جایگاه زن در مقیاس ارزشمند خود حفظ گردد و رفتارهایی را که موجب بی‌احترامی به حرمت زن می‌شود به نحو مناسب جرم‌انگاری نمود.

### ۵-۶-۲. تقدم ارزش‌های اخلاقی بر حقوق

برخی حقوق‌دانان معتقدند قانون‌گذار وقتی به حل مسائل خانوادگی می‌رسد راهکارهایی را که قبلاً آموخته ناکارآمد می‌یابد. زیرا محاصره نمودن عواطف انسانی و بازتاب‌های طبیعی در چهارچوب قواعد حقوقی دشوار می‌باشد و نظام

#### ۵-۶-۴. قدرت پیشگیرانه

مهم‌ترین عامل برای پیشگیری از بروز جرائم، جرم‌انگاری و تعیین مجازات است. جرم‌انگاری برخی از رفتارها موجب می‌شود که افراد نتیجه و مجازات رفتار مجرمانه خود را مشاهده کنند و به همین دلیل از ارتکاب اعمال خلاف مقررات خودداری کند. قرآن کریم نیز به منظور پیشگیری از وقوع برخی جرائم صراحتاً آنها را جرم اعلام کرده و مجازات آنها را بیان نموده است. نمونه بارز جرم‌انگاری قتل عمد و تشریح حکم قصاص است.

در جمع‌بندی این بخش باید اظهار نمود که جرم‌انگاری برای افراد و در کل جامعه بسیار سودمند است. اما باید به این نکته توجه نمود که اولاً جرم‌انگاری باید منطبق بر ارزش‌ها و ملاک‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه و روحیات مردم بوده تا نتیجه اثربخش داشته باشد، ثانیاً زیاده‌روی در جرم‌انگاری احتمالاً به افزایش مجازات‌ها می‌انجامد. بنابراین باید جرم‌انگاری فرآیندی گزینشی تلقی نمود که طی آن قانون‌گذار با توجه به هنجارها ارزش‌های اجتماعی یا ضرورت‌های دیگر بر پایه مبانی حقوقی مورد قبول رفتاری را جرم محسوب نموده و مجازات متناسب با آن جرم را معین نماید. حوزه حقوق خانواده نیز از این قاعده جدا نبوده و باید از ازدیاد مجازات‌ها در این حیطه نیز جلوگیری نماییم.

#### ۵-۷. مبانی فقهی و حقوقی جرم‌انگاری خشونت علیه

##### زوجه

نظام حقوقی ایران در مورد خشونت خانگی نگرش یکسانی ندارد؛ به طوری که راهی مایل به حمایت مدنی و کیفری از بزه‌دیدگان خشونت است و گاهی از این حمایت خودداری می‌کند و گاهی این حمایت را مختصر و ابهام‌آمیز گذاشته است. در قانون جزایی ما اعمال خشونت و تجاوز علیه افراد، بدون در نظر گرفتن جنسیت بزه‌دیده قابل مجازات دانسته و حمایت به خصوصی از زوجه در مقابل جرائم خشونت‌بار در خانواده پیش‌بینی نشده است (۲۳).

خشونت علیه زوجه احتمال دارد در انواع گوناگونی مانند خشونت فیزیکی، روحی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، و

صاحب تفسیر نور در این باره می‌نویسد: «مقابله با مفسدان و برهم‌زنندگان نظم اجتماعی یک ضرورت است. اگر عنصر مضر حذف نشود عناصر دیگر به تباهی کشیده می‌شوند» (۲۱). از آنجا که جرم به نوعی شکستن و زیر پا گذاردن نظام اجتماعی به حساب می‌آید با قواعد فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر جامعه تناقض داشته و احساسات عمومی را جریحه‌دار می‌کند. به همین دلیل جرم‌انگاری و اجرای مجازات موجب تنظیم روابط بین افراد و ایجاد نظم در جامعه می‌گردد. اگر در جامعه‌ای نظم و امنیت برقرار نباشد و حقوق افراد مورد تجاوز قرار گیرد، حرکت افراد در مسیر تکامل حیات جمعی متوقف شده و زندگی اجتماعی مردم دچار اختلال می‌گردد. نظام اجتماعی تلاش دارد تا با بیان اعمال مجرمانه و مجازات‌های آن، قلمرو حقوق افراد و جامعه را مشخص نماید تا اهمیت ارزش‌های حاکم بر جامعه روشن شود.

وجود مقررات جزایی که در چهارچوب جرم‌انگاری صورت می‌گیرد، موجب می‌گردد که اولاً محدوده جرم مشخص گردد و بدین ترتیب حقوق و آزادی‌های فرد بهتر تضمین شود، ثانیاً نوع و میزان مجازات تعیین شده و راه زورگویی و خشونت بسته می‌شود، ثالثاً روند اجرای کیفر از سوی قانون‌گذار دقیقاً بیان می‌شود تا زمینه استبداد و خودکامگی از بین برود (۲۲). بنابراین رعایت نظم اجتماعی را می‌توان از معیارهای جرم‌انگاری در نظام حقوق جزایی محسوب کرد که غالباً در همه احکام و جرائم آشکار است و جرائم علیه خانواده را نیز می‌توان در این مورد بررسی نمود. چرا که حفظ نظم در خانواده برابر است با سیانت و حراست از نظام اجتماعی. زیرا خانواده به عنوان یک نهاد کوچک اجتماعی نقش مهمی در کل جامعه ایفا می‌کند.

نهاد خانواده می‌تواند با کنترل تربیت صحیح در پیش‌بینی و پیشگیری آسیب‌های اجتماعی مؤثر واقع گردد. اگر فرآیند جامعه‌پذیری و کنترل اجتماعی در خانواده به طور صحیح اجرا نشود، باید شاهد بزهکاران بالقوه‌ای باشیم که از بطن خانواده وارد جامعه می‌شوند. حال چنانچه فضای خانواده به دلیل خشونت‌های خانگی متلاطم و متشنج گردد، نمی‌توان انتظار داشت فرزندان قانون‌مند رشد و نمو یابند.



### ۵-۷-۱. آیات قرآن

تحقیقات انجام یافته در حیطه خانواده نشانگر آن است که اساس قرآن مجید بر محافظت از کانون خانواده است و در آیات مربوطه، زن را مدنظر دارد. به طور کلی اسلام مدعی است که اکمل شیوه زندگی را سفارش کرده و روش پیشنهادی آن مناسب‌ترین راهکار زندگی با خلقت و ماهیت است. لیکن با دیدی خلاصه و سطحی به سرچشمه و ریشه این آیین مقدس قسمت اعظمی از نقدها متوجه چهارچوب اصلی بینش اسلامی نسبت به زن می‌شود (۲۶).

به جهت اینکه آیات و روایاتی وجود دارد که به نظر بعضی‌ها برخورد‌های ناروای اسلام با زن را مشهود می‌سازد. اما گاهی این مطلب مستلزم بینش عمیق و گسترده‌ای نسبت به آیات قرآن کریم می‌باشد (۲۷).

آیات قرآن کریم دربردارنده مفاهیم و نمونه‌های بسیاری در مورد خشونت علیه زنان می‌باشد که به طور عمده با سه رویکرد متفاوت به این موضوع پرداخته است:

الف) رویکرد تکلیفی در آیاتی که بر نهی یا نکوهش تنبیه بدنی و یا کتک کاری از جانب زوج دلالت دارد.

ب) رویکرد حقوق در احکامی مانند ثبوت قصاص، دیه، حد، قذف، تعزیر و نهی از منکر حکومتی در موارد خشونت فیزیکی یا لفظی علیه همسر.

ج) رویکرد اخلاقی است که سفارشات در زمینه رفتار نیک و خودداری از خشونت بیان کرده است (۲۷).

در این بخش با تأکید بر نکات تربیتی و اخلاقی قرآن به عنوان اساسی‌ترین مبانی فقه اسلامی به بررسی اهمّ شواهد قرآنی مبنی بر مخالفت با خشونت علیه زنان خواهیم پرداخت.

آیات عضل و آیات مربوط به اخراج زوجه از منزل رویکرد دینی را بیان کرده و آیات مربوط به ایراد معاشرت به معروف با رویکرد اخلاقی به موضوع نگریسته و در آخر آیات مربوط به قذف، ایلاء وظهار رویکرد حقوق آیات قرآن را روشن و بیان نموده است.

جنسی ظاهر شود که در مجموع به آنها خشونت خانگی اطلاق می‌گردد که در ادامه انواع آن به صورت مختصر بیان گردیده است.

مطابق آمارهای داده شده از سوی سازمان پزشکی قانونی، خشونت فیزیکی شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان است. چرا که ثابت نمودن این نوع خشونت مستلزم مراجعه به پزشکی قانونی و ارائه نظر کارشناسی است. خشونت فیزیکی، هرگونه رفتار غیراجتماعی است که ممکن است از لمس کردن بدن شروع و گاهی تا مرحله تجاوز جنسی زن را مورد آزار قرار دهد. خشونت روحی، شرافت، آبرو، غرور و اعتماد به نفس زن را مورد تعرض قرار داده و متأثر می‌کند. خشونت روحی آثار منفی بر شخصیت، روح، روان، زندگی شخصی و اجتماعی زن به جا می‌گذارد. از موارد بارز خشونت روحی می‌توان به توهین و تحقیر، تهدید به طلاق دادن، ازدواج با زن دوم و آزار و اذیت اشاره نمود. برخی از خشونت‌ها به دلیل ساختار اجتماعی جامعه بر زنان تحمیل می‌گردد. از جمله این خشونت‌ها مجبور نمودن به فحشا، ضبط و ثبت هویت زن قربانی و نشر آن به جهت وارد نمودن لطمه به شخصیت وی، اجبار به اعتیاد به مواد مخدر، ممانعت از حق تعلیم، تحصیل و شغل می‌باشد (۲۴).

گروهی دیگر از خشونت علیه زنان، خشونت‌هایی است که ریشه در فرهنگ جامعه داشته و قدرت گسترده‌ای که عرف و فرهنگ جامعه به مرد اهدا نموده موجب می‌شود مرد خود را به عنوان رئیس خانواده محق بداند که در حوزه خصوصی خانواده علیه زنان اعمال خشونت نماید (۲۵).

یکی از موارد خشونت زوجه که در قوانین ایران جرم محسوب می‌گردد خشونت جنسی و رابطه جنسی به عنف از جانب زوج است که عبارت است از هرگونه رفتار، به منظور کسب لذت جنسی و بدون رضایت زوجه که محدوده آن از لمس کردن بدن وی تا مقاربت به عنف را شامل می‌شود.

بعد از شناسایی صورت‌های متفاوت خشونت علیه زوجه در این قسمت با استناد به منابع و مراجع معتبر فقهی؛ نظیر آیات، روایات و قواعد و اصول فقهی مبانی جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه را متقن و روشن کرده‌ایم.

**۵-۷-۱-۱. آیات معاشرت به معروف**

خداوند رحمان در آیات متعددی از قرآن مجید به مردم دستور داده که در معاشرت با زنان خود از شیوه معروف و با آنها رفتار اخلاقی شایسته‌ای داشته باشند (نساء ۱۹، بقره ۲۲۹، طلاق ۲).

شیخ طوسی می‌فرماید: «معروف این است که با خشونت با زن رفتار نکند و او را نزند و سخن بد به وی نگوید و با او گشاده رو باشد و گفته‌اند مقصود این است که هرطور او رفتار کند، مرد هم همان‌طور رفتار کند». هم‌چنین علامه طباطبایی در میزان در تفسیر کلمه معروف می‌فرماید: «به معنای هر امری است که مردم در مجتمع خود آن را بشناسند و آن را انکار نکنند و بدان جاهل نباشد و چون دستور به معاشرت کردن با زنان را مقید فرمود به قید معروف، قهراً معنای این امر به معاشرت با زنان معاشرتی است که در بین مأمورین به این امر یعنی مسلمانان معروف باشد و آم این است که یک فرد از جامعه، جزئی باشد مقوم جامعه، یعنی در تشکیل جامعه دخیل باشد و دخالتش مساوی باشد با دخالتی که سایر اعضا دارند. اما اگر یک فرد از جامعه غیر این رفتار کند، دیگران به او ستم کنند و به این معناست که دیگران از حاصل او بهره‌مند شود، ولی او از حاصل کار دیگران بهره‌ای نبرد و شخص او را مورد استثنا قرار دهد» (۲۸).

از اتحاد معیار آیات مهاشرت استدراک می‌شود که وظیفه مردان به حسن معاشرت با زنان در این آیات به شیوه‌ای تربیتی اشاره کرده و صرفاً مربوط به زندگی زناشویی نمی‌شود، بلکه در مواقع تنش زندگی حتی هنگامی که زوجین وارد جریان طلاق می‌شوند احتمال اعمال خشونت‌آمیز بیشتر می‌شود و در چنین شرایطی خداوند می‌فرماید که بر طریق معروف با همسرانتان رفتار کنید.

**۵-۷-۱-۲. آیات عضل**

کلمه عضل به معنای مانع شدن، تحت فشار گذاردن و در تنگنا قرار دادن است (۲۹). و در متن آیات معنای لغو خشونت مردان علیه زنان را روشن می‌نماید؛ مورد اول تحت فشار گذاشتن زن برای امتناع از ازدواج مجدد که می‌فرماید: «وَإِذَا

طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَلَبِغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ؛ و هنگامی که زنان را طلاق دادید و عده خود را به پایان رساندند، مانع آنها نشوید که با همسران (سابق) خویش، ازدواج کنند» (بقره، ۲۳۲) و مورد دیگر تحت فشار گذاشتن زن برای گرفتن مهریه او که می‌فرماید: «وَ لَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذَهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ؛ و آنان را تحت فشار قرار ندهید که قسمتی از آنچه را به آنها داده‌اید (از مهر)، تملک کنید» (نساء، ۱۹).

به هر حال مفهوم عضل در معارف قرآنی گستره وسیعی دارد و ذکر آیات فوق جنبه حصری نداشته و صرفاً از باب ذکر مصادیق بوده است.

**۵-۷-۱-۳. آیات قذف**

آیات ۴ تا ۹ سوره مبارکه نور که به آیات قذف معروف است خشونت علیه زوجه را نفی می‌کنند. مطابق این آیات، چنانچه کسی بدون شهادت شاهدهی نسبت زنا کردن به زن مؤمنی بدهد مستحق شلاق است و این حکم در خصوص قذف نسبت به همسران هم اجرا می‌گردد.

**۵-۷-۱-۴. آیه ایلاء**

یکی از انواع خشونت علیه زوجه خشونت روانی یا روحی است و یکی از مصادیق خشونت روانی «ایلاء» است که در میان اعراب جاهلی و تا صدر ایلام رایج بود. زمانی که مردی نسبت به همسر خود نفرت داشت، وی را در مضیقه و تنگنا قرار می‌داد به نحوی که نه وی را طلاق می‌داد و نه پس از این سوگند حاضر به مصالحه و آستی با وی می‌شد (۳۰). قرآن کریم ایجاد چنین تنگنای روانی و خشونت روحی علیه زن را نفی کرده و مقرر می‌دارد: «لِّلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِن نِّسَائِهِمْ تَرَبُّصٌ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ \* وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ ضمن این چهار ماه، وضع خود را با همسر خویش، [از نظر ادامه زندگی یا طلاق، روشن سازند] اگر [در این فرصت] بازگشت کنند، [چیزی بر آنها نیست زیرا] خداوند، آمرزنده و مهربان است و اگر تصمیم به جدایی

گرفتند، آن هم با شرایطش مانعی ندارد] خداوند شنوا و داناست» (بقره، ۲۲۶-۲۲۷).

### ۵-۷-۱-۵. آیه ظهار

یکی از مصادیق خشونت روانی علیه زوجه ظهار است. خداوند متعال در قرآن کریم آن را تحریم کرده است و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِن نِّسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ؛ کسانی که همسران خود را «ظهار» می‌کنند، سپس از گفته خود باز می‌گردند...» (مجادله، ۴). با بیان این آیه شریفه سنت غلط ظهار برای همیشه از جامعه مسلمانان ریشه‌کن شد.

### ۵-۷-۱-۶. آیات مربوط به اخراج زوجه از منزل

قرآن کریم در سوره مبارکه طلاق حکم ممنوعیت اخراج زوجه از منزل را بیان می‌کند و شرایطی را برای آن معین نموده است و می‌فرماید: «إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلَّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَ أَحْصُوا الْعِدَّةَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تَخْرِجُوهُنَّ مِن بُيُوتِهِنَّ وَ لَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَن يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبَيَّنَةٍ». (طلاق، ۱) و هم‌چنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَ يَذُرُونَ أَرْوَاجًا وَصِيَّةً لِّأَرْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ إِخْرَاجٍ» (بقره، ۲۴۰).

بدیهی است که اخراج زن از منزل در شرایطی که تکیه‌گاه مالی و عاطفی خود را از دست داده آسیب‌های جدی به او وارد می‌کند و در مقابل خطرات و حتی آسیب‌های جنسی قرار می‌گیرد. به این دلیل اخراج زن از منزل مصداق بارزی از خشونت جنسی است که برخی آیات قرآن در آن دلالت دارد. (۲۷).

### ۵-۷-۲. روایات

روایات متعددی از معصومین (ع) در زمینه خشونت علیه افراد مخصوصاً زوجه صادر شده که به دلیل طولانی بودن بحث فقط به بیان چند نمونه از روایات پیامبر اسلام (ص) اکتفا کرده‌ایم. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: آنکه مؤمنی را به قصد تحقیر (از نزد خویش براند) یا به او سیلی بزند یا با او برخوردی ناخوشایند داشته باشد، ملائکه او را نفرین می‌کنند. تا هنگامی

که آن مؤمن را از حقش راضی سازد و از کردارش درباره او توبه کند و آمرزش بخواند (۳۱).

هم‌چنین پیامبر (ص) در مذمت و نکوهش علیه زنان می‌فرماید: «آیا زن را کتک می‌زنید سپس می‌خواهید با او هم‌آغوش باشید؟» (۳۲). در صحیح بخاری نیز از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که با زنان با مهربانی رفتار نمایید (۳۳). بیان آیه‌ای مانند آیات عضل، آیات مربوط به اخراج زوجه از منزل، آیات معاشرت به معروف، آیات مربوط به قذف، ایلاء و ظهار با بیان کردن رویکردهای تکلیفی، اخلاقی و حقوقی، جرائم علیه خانواده را از جهات مختلف نشان می‌دهد و از سوی دیگر روایات ذکر شده سیره معصومین را تبیین می‌کند. بنابراین در زمینه مبانی نظری جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه را می‌توان به صراحت و عمومیت آیات و روایات ذکر شده استناد کرد.

### ۵-۷-۲-۱. قاعده لاضرر

قاعده لاضرر از قواعد مهم فقهی است که در موارد مختلف زندگی انسان کاربرد دارد. قاعده لاضرر برگرفته از حدیث پیامبر (ص) است که فرمودند: «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (۳۴) لفظ ضرر در لغت معانی گوناگونی دارد. ضرر به معنی سوء خال آمده است (۲۹). و هم‌چنین ضرر به معنای عمل متروک نسبت به دیگری و نقص در اعیان نیز آمده است. ضمن اینکه ضرر به معنای بدی حال و تنگ‌دستی و فقر نیز به کار می‌رود (۳۵).

واژه ضرر در بیشتر موارد برای نفس و مال به کار می‌رود و کاربرد آن در مورد آبرو و شرف کمتر است. اما کلمه ضرار بر وزن فعال مصدر باب مفاعله می‌باشد و دلالت بر ایراد ضرر از طرفین به یکدیگر دارد. به تعبیر دیگر در «ضرار» طرفینی بودن با توجه به باب مفاعله مفروض است. هم‌چنین گفته شده ضرار به معنای مجازات و ضرری است که از طرف دیگر به انسان وارد می‌گردد و ضرر برای مواردی به کار می‌رود که یک نفر به دیگری ضرر می‌زند تا منفعتی ببرد اما در ضرار با ضرر زدن به یکدیگر نفعی متوجه خودش نمی‌گردد.

خاطر خیر و صلاح کسی یا به خاطر سودمند بودن عملی برای او یا به دلیل صحیح بودن رفتاری از نظر دیگران، کسی را مجبور به انجام یا عدم انجام کاری کرد؛ بلکه تنها وقتی حق داریم در مورد دیگران اجبار به کار ببریم که بتوانیم ثابت کنیم عمل فرد صدمه‌ای به کسی نخواهد رسانید (۳۸).

برخی پژوهشگران عقیده دارند ضرورت جرم‌انگاری افتراقی در مورد خشونت‌هایی که از جانب مردان بر زنان وارد می‌شود، از رهگذر اصل آسیب لازم است؛ عملی که قانون‌گذار تا به این زمان به آن التفاتی ندارد. ممکن است بعضی با این برهان که ارتکاب ضرب و جرح به دیگران جرم‌انگاری محسوب می‌شود، به این نظریه ایراد می‌گیرند. لیکن می‌بایست گفت برابری مجازات مرتکبین خشونت علیه همسر خود در سنجش با دیگر مرتکبین ضرب و جرح منصفانه نیست. زیرا مضاف بر شرایط فیزیکی زوجه در مقایسه با همسر او غالباً (حتی بعد از ارتکاب جرم) در شرایطی به دور از منظر مردم و در اختفا در دسترس همسر خود است و موقعیت برای وارد نمودن ضرب و جرح بیشتر مهیا است.

بنابراین قانون‌گذار قادر است با استفاده از اصل آسیب، به جرم‌انگاری افتراقی خشونت علیه زوجه عمل نماید (۳۹). در نتیجه جرم‌انگاری یک نوع پشتیبانی تحت قاعده لاضرر یا اصل آسیب به نفع زوجه در برابر ناهنجاری‌ها و تنش‌های آسیب‌زا در محیط خانواده لازم است اما ممکن است این نقد ایراد شود که افزایش مجازات خشونت و خانواده به صلاح نبوده و از طرف دیگر به دلیل اینکه شخص محکوم به مجازات معمولاً در فکر تاوان گرفتن از شاکی می‌باشد.

از دید جرم‌انگاری باید مقصود اصلی مجازات که همان تربیت و بازدارندگی است اعمال شود. در غیر این صورت اهمال در تعیین و اجرای مجازات‌ها، مرد از ارتکاب جرائم افزون‌تری در رابطه با زوجه ترس و اضطرابی ندارد و احتمال دارد آسیب‌های بیشتری را بر زوجه خود اعمال کند. پس قانون‌گذار می‌بایست با توجه به شرایط خانواده و جامعه قوانین لازم را مشخص و تبیین نماید.

ضرار به معنای ضیق و عسر و حرج نیز آمده است. برخی گفته‌اند که ضرر به معنای صادر شدن مکرر ضرر از جانب کسی است. و نیز گفته شده که ضرر تنها برای موارد اضرار عمدی به کار می‌رود ولی ضرر هم شامل اضرار عمدی و هم غیرعمدی می‌گردد و این دو حکم (ضرر و ضرار) مقابل هم قرار می‌گیرند. ضرر و زیان غیرارادی است و ضرر زیان ارادی است (۳۰).

شیخ انصاری (ره) در تفسیر و توضیح قاعده لاضرر می‌جوید: «منظور از نفی ضرر نفی احکام ضرری است؛ یعنی «لا» در معنای نفی به کار رفته و کلمه «حکم» را باید در تقدیر گرفت؛ بنابراین مراد این است که «لا حکم ضرری فی الاسلام» یعنی در اسلام احکامی که موجب ضرر بر بندگان باشد وجود ندارد» (۳۶). محقق داماد نیز معتقد است ضرر شامل کلیه خسارت‌ها و زیان‌های وارد بر دیگری است ولی ضرر مربوط به مواردی است که شخص با استفاده از این حق یا جواز شرعی به دیگری زیان وارد سازد که در اصطلاح امروز از چنین مواردی به سوء از حق تعبیر می‌شود (۳۷).

با استفاده از دیدگاه فقها به طور کلی می‌توان گفت مفاد قاعده لاضرر در فقه اسلام، مبنای مناسبی در مورد قابلیت جرم‌انگاری برای خشونت علیه زوجه محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر هرگونه ضرر اعم از ضرر مادی یا معنوی، جسمی یا روحی در نظام حقوقی اسلام نفی شده و طبق مقررات این حکم ضرر رسان باید از عهده خسارتی که به دیگری وارد کرده است برآید. بنابراین چنانچه زوج به همسر خود ضرر یا ضررهای مزبور وارد آورد باید به نحو شایسته از عهده خسارت آن برآید در غیر این صورت باید در مقابل مسئولیت مدنی یا کیفری مزبور به آن ضرر پاسخگو باشد.

با استفاده از وحدت ملاک می‌توان در این مبحث نیز قائل به انطباق موضوعی شد و قاعده لاضرر در فقه را با اصل آسیب در حقوق منطبق نمود. اصل آسیب یا زیان با نفوذترین اصل در الگوی جرم‌انگاری به شمار می‌آید که با وجود مواجهه با چالش‌های فراوانی که توسط سایر اصول جرم‌انگاری تاکنون مطرح شده، تا امروز پویاتر از سایر اصول جرم‌انگاری به حیات خود ادامه داده است. به اعتقاد حامیان این اصل نمی‌توان به

**۵-۷-۲-۲. قاعده منع عسر و حرج**

«نفی عسر و حرج» یکی از اصول عملی در علم فقه محسوب می‌شود که از منظر امامیه بر اساس ادله چهارگانه (کتاب، سنت، اجماع، عقل) قرار گرفته و در کلیه ابواب فقه من جمله عبادات، معاملات و سیاست‌ها جریان دارد. در توصیف این اصل بیان شده است: «هر عملی که انسان را به تنگنا و ضیق اندازد، دشوار و سخت نیز هست و هرکاری که انجام دادن آن برای آدمی سخت و شاق باشد، موجب تنگی و اعمال فشار بر او نیز می‌شود. به علاوه ضابطه تعیین مصداق عسر و حرج، عرف است که مطابق آن، هر کاری که موجب مضیقه و تنگنا باشد، حرج و دشواری نیز تلقی می‌شود» (۳۷).

قاعده نفی عسر و حرج از قواعدی است که برای اعتدال بخشیدن احکام اولیه حقوقی در نظر گرفته شده است. تا به واسطه انصاف نیز برقرار شود. در نتیجه تکلیف هدایت قانون‌گذار موجب می‌شود که علاوه بر اینکه عمل خارج از قدرت و طاقت را در حیطه احکام و لحاظ نکند بلکه به شدت و سخت‌گیری نیز اهمیت ندهد (۴۰).

در مسائلی که به کارگیری قاعده نفی حرج باعث آسیب برای طرف مقابل شود و یا بالعکس، اجرای قاعده لاضرر در مقایسه با مسئله‌ای موجب حرج و سختی برای دیگری شود، بین این دو قاعده ظاهراً اختلاف پیش می‌آید. در این مورد، بعضی اعتماد به تقدم قاعده عسر و حرج بر قاعده لاضرر بوده، آن را ارجح بر لاضرر می‌دانند (۳۶). در صورتی که برخی دیگر از فقها اعتقاد دارند اساساً جایی برای تقدم قاعده لاضرر بر لاضرر وجود ندارد (۴۱). قاعده نفی عسر و حرج از قواعد محدود به این است که نقش اصلی در تعیین اندازه سرپرستی قیمومیت مرد در خانواده دارد که در قانون هم از خصوصیات مرد قلمداد می‌شود. این خصوصیات که لازمه ریاست همسر می‌باشد. عبارت است از ضرورت اجازه زوج در خروج از منزل برای زوجه، لزوم پیروی و تمکین کامل از شوهر بر اساس عرف و لازمه پیروی زوجه از زوج در گرفتن منزل (۴۲).

بعضی محققان در بررسی فقهی ریاست زوج در خانواده و مقایسه آن با محتوای کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان متوجه شده‌اند که یکی از مسائل اختلافی بین موازین فقهی و

کنوانسیون مورد نظر ریاست زوج در خانواده است. بدین گونه که کنوانسیون، حقوق اکتسابی را برای همسران مدنظر گرفته است. در صورتی که با توجه به لزوم وجود رئیس و سرپرست در هر تشکل اجتماعی، عنایت خاص فقه اسلام بر ریاست، مفهوم استبدادی ندارد. بلکه یک مدیریت اداری خردمندانه است و زن در مسائل شخصی مکلف به پیروی از همسرش نیست (۴۳).

استناد به ماده ۱۱۲۰ قانون مدنی، خشونت علیه زوج می‌تواند یکی از نمونه‌های صادق عسر و حرج محسوب شود که بر اساس قانون مدنی حق طلاق را برای زوجه به همراه دارد. لیکن از طرفی قانون‌گذار داشتن این حق را شرط تمکین زن دانسته است؛ اما در بسیاری از مواقع زوجه برای گرفتن حق طلاق خود به اجبار از مرد تمکین می‌کند که با رفتارهای خشونت‌آمیزش او را در عسر و حرج قرار می‌دهد. بنابراین قانون‌گذار باید در راستای حمایت از زنان قدم‌های پویا و تأثیرگذار بردارد.

**۵-۷-۲-۳. قاعده حفظ مصلحت فرد و جامعه**

مصالح جمع مصلحت و به مفهوم صلاح در برابر فساد است (۳۵). مصلحت یعنی آنچه که پدید آمده و باعث صلاح می‌شود. بدین جهت اعمالی که انسان انجام می‌دهد و باعث بهره‌مندی وی می‌شود به اسم مصلحت می‌گردد (۴۴).

هر رویداد یا عملی که موصوف به خیر باشد، شامل مصلحت است و هر رویداد یا عملی که شر موصوف باید شامل مفسده می‌باشد. پس هر مصلحتی از دو اصل «حسن و مفید بودن» و هر مفسده‌ای از «قبح و زیان‌آوری» اکتساب می‌شود. لیکن به نظر گروهی محققان تفسیر مصلحت به حسن و پسندیده و یا به منفعت در حقیقت توضیحی ناکامل و یک بعدی می‌باشد؛ چرا که به هر رویداد یا فعلی که نفساً نیک است مصلحت نمی‌گویند، الا اینکه مفید هم باشد. برعکس این معادله هم درست است؛ به طوری که هر فعل یا رویداد سودآور هم زمانی که خوب و مورد قبول نباشد مصلحت نمی‌گویند.

به همین دلیل است که کلمه مصلحت در دروس کلامی و نیز حکمت عملی که با حسن و قبح افعال ارتباط دارد، استعمال

اما یافته اصلی پژوهش حاضر این است که در زمینه مشروعیت جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه به عنوان یکی از جرایم مهم حوزه خانواده می‌توان به مبانی فقهی معتبری اشاره نمود؛ آیاتی از قرآن کریم نظیر آیات معاشرت به معروف، آیات عَصْل، آیات قَذْف، آیات ایلاء و ظهار و آیات مربوط به اخراج زوجه از منزل به بحث خشونت علیه زوجه اشاره دارد. همچنین روایات معصومین (ع) نیز مؤید این ادعا بوده است که به صراحت خشونت علیه زوجه را تقبیح و در برخی موارد تحریم کرده و حتی در برخی موارد مانند قذف زوجه، زوج را مستحق مجازات حد قذف دانسته است که به نوعی مجازات سنگین بدنی محسوب می‌گردد. افزون بر این، برخی از قواعد کاربردی فقهی نظیر قاعده لاضرر، قاعده منع عسر و حرج و قاعده حفظ مصلحت فرد و جامعه در زمینه جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه کارآیی لازم را دارند و می‌توان از مفاد آن‌ها برای جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه بهره گرفت.

#### ۷. تقدیر و تشکر

از تمام عزیزانی که در تهیه و تدوین این مقاله مساعدت و همکاری نمودند تقدیر و تشکر می‌کنم.

#### ۸. سهم نویسندگان

همه نویسندگان در تدوین مقاله دارای سهم برابر هستند.

#### ۹. تضاد منافع

در این مقاله هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

نمی‌شود و استفاده از آن اغلب در فقه و مبادی احکام شرع صورت می‌گیرد که احکام شرع غیر از حسن می‌بایست برای زندگی مادی و معنوی انسان نیز بهره‌مند باشد (۴۵).

به طور اجمال نظر فقهای مشهور امامیه معطوف بر این است که احکام شرعی پیرو مصالح و مفاسد نفس‌الامری می‌باشند و هیچ حکمی فاقد معیار و ملاک در مذهب گفته نشده است (۳۴). بنابراین همین اصول کلی باعث شده که نظام حقوق اسلام بر طبق حفظ مصالح فردی و اجتماعی، اقدام به جرم‌انگاری نموده و تجاوز به مصالح مورد اعتبار انسانی را جرم استنباط کند. به هر حال خشونت علیه زنان به گونه‌ای از میان بردن مصالح فرد (زوجه) و جامعه (خانواده و اجتماع) به حساب می‌آید. همین امر باعث قدرت بیشتر مصالح و منافع مادی و معنوی زوجه می‌شود.

#### ۶. نتیجه‌گیری

با توجه به دست‌آوردهای این تحقیق معین شد که اولاً جرم‌انگاری در خانواده زمینه ثبوت و تحقق داشته و داعیه گروهی از پژوهشگران بر فقدان چنین زمینه‌ای رد شده و نامقبول است. دوماً ملاک‌های پذیرش جرم‌انگاری در نظام‌های حقوقی جهان متفاوت است. لیکن با این وجود اشتراکاتی هم در این خصوص وجود دارد و مهم‌ترین اصول مشترک در زمینه جرم‌انگاری عبارتند از حفظ کرامت انسانی، صیانت از ارزش‌های اخلاقی، برقراری نظم اجتماعی، اجرای عدالت کیفری و پیشگیری از جرم.

علی‌رغم اینکه جرم‌انگاری در همه عرصه‌های حقوق کیفری ضروری به نظر می‌رسد لیکن باید توجه داشت که به منظور اثربخش بودن جرم‌انگاری، این فرایند باید با ارزش‌ها و ملاک‌های فرهنگی، مذهبی و اجتماعی جامعه و روحیات مردم هماهنگی داشته باشد و از سوی دیگر، برای جلوگیری از تورم کیفری، از جرم‌انگاری افراطی پرهیز گردد و این موضوع باید در همه عرصه‌های حقوق به ویژه حقوق خانواده رعایت گردد. از سوی دیگر ضرورت دارد که جرم‌انگاری خشونت علیه زوجه در قانون حمایت خانواده به صورت اخص بیان شود.



## References:

1. Khatibi A. A Survey of Women's Attitudes Towards Factors Affecting Family Strengthening, a study among female employees of Payame Noor universities in Hamadan. *Journal of Women and Family Studies*, Al-Zahra University Women's Research Institute. 2015;1(1):59-92. (Persian).
2. Mehmannaavaz M. Analytical Review of Violence, Punishment and Restriction Against Women in the Safavid Period, Based on Travel Writers. *Quarterly Journal of Women and Society*. 2019;10(40):339-64. (Persian).
3. Kabiri A, Saadati M, Nowruzzi V. Sociological Analysis of Factors Affecting Domestic Violence Against Women in Iran. Tehran: Roshangaran; 2018. (Persian).
4. Safari A, Saberi R, Naderi P. The Impact of Law on Promoting Domestic Violence Against Women (Qualitative Study: Women in Tehran). *Scientific Journal of Law Enforcement Research*. 2019;21(4):180-210. (Persian).
5. Ahmadi J, Yazdani M, Malekshah A. A Legal-Jurisprudential Rereading of Punishing of Woman in Religious Texts and Imam Khomeini's Viewpoints. *Matin Research Journal*. 2018;20(78):53-79. (Persian).
6. Gholami H, Barzegar M. Predicting domestic violence against women and strategies based on it. *Doctrines of criminal law*. 2017;14(1):3-38. (Persian).
7. Ghadir M, Mahdavi Z, Setayeshpoor M. Protecting Women Against Sexual Violence (Examining the Documents of the Four Generations of International Criminal Courts). *Jurisprudence and family law (Nedaye Sadegh)*. 2018;23(69):5-30. (Persian).
8. Dehkhoda A. *Dictionary*. Tehran: Amirkabir Publications; 1951. (Persian).
9. Salarifar M. Domestic violence against women, the study of causes and treatment with an attitude towards Islamic sources. Qom: Hajar Publishing Center; 2010. (Persian).
10. Azazi S. *Domestic Violence, Beaten Women*. Tehran: Sali Publications; 2001. (Persian).
11. Babaeifard A, Heidarian A. A Study of Some Social Factors Affecting Domestic Violence. *Women and Society Quarterly*. 2014;5(20):35-52. (Persian).
12. Heydarinejad S, Nawah A. Identifying the effective factors in violence against women in Ahvaz. *Women and Society Quarterly*. 2018;9(36):133-52. (Persian).
13. Shoa Kazemi M. Domestic Violence, Marital Boredom and Feelings of Value in Ordinary Women and Referral to Tehran Family Court. *Quarterly Journal of Women and Family Studies*. 2017;5(1):35-52. (Persian).
14. Janaki F. *Principles and Methods of Criminology*. PhD Dissertation in Criminal Law and Criminology. Tehran: Tehran University; 2003. (Persian).
15. Haugh T. The Criminalization of Compliance. *Notre Dame Law Review*. 2017;92(3):1215-70. (Arabic).
16. Sadeghi Movahed K, Sadri SM, Bagheri A, Amirpour H. Feasibility Study of Criminalization in the Family Law. *Islamic Law & Jurisprudence Researches*. 2019;15(1):85-108. (Persian).
17. Shami M. *An Introduction to Criminology and Decriminalization*. Tehran: Jangal; 2013. (Persian).
18. Tamimi A. *Gharr al-Hakam and Dar al-Kalam*. Qom: Islamic Propaganda Office; 2010. (Persian).
19. Katozian N. *Principles of Public Law*. Tehran: Mizan; 2016. (Persian).
20. Mughniyeh M. *Tafsir al-Kashif*. Tehran: Islamic Library; 2003. (Persian).
21. Qaraati M. *Tafsir Noor*. Qom: Institute of Lessons from the Quran; 2013. (Persian).
22. Daneshpajoo W. Criminology of the Qur'an and Rationality. *Journal of the Jurisprudential Principles of Islamic Law*. 2016;9(1):132-49. (Persian).
23. Azimzadeh S. The dynamics of criminal policy manifestations in support of women victims of violence. *Justice Law*. 2005;5(1):11-31. (Persian).
24. Kar M. *Research on Violence Against Women in Iran*. Tehran: Roshangaran; 2015. (Persian).
25. Amoozgar B. A look at examples of violence against women in Afghanistan. Tehran: Human Rights Education Section, Office of the Afghan Independent Human Rights Commission; 2016. (Persian).
26. Raesadati R. Violence against women from the perspective of Quranic interpretations. *Quarterly Journal of Women and Family Studies*. 2016;1(1):119-58. (Persian).
27. Bostan H, Dehghannejad R. A New Look at Violence Against Women from the Perspective of the Quran. *Journal of Quranic Education*. 2017;8(28):90-101. (Persian).
28. Tabatabaei M. *Al-Mizan*. Tehran: Eslamiye; 1996. (Arabic).

29. Ibn-Manzoor M. Language of the Arabs. Beirut: Dar Sadr; 2001. (Arabic).
30. Makarem Shirazi N. Al-Qawaed Al-Fiqhiyyah. Qom: Ali Ibn Abi Talib School; 1991. (Arabic).
31. Saduq M. Man Layehdhra al-Faqih. Qom: Daro-Elm; 2007. (Arabic).
32. Ameli M. Wasaelo Shiee. Qom: Dar al-Alam; 1996. (Arabic).
33. Bukhari M. Sahih Al-Bukhari. Torbat Jam: Ahmad Jam Publishing; 2012. (Arabic).
34. Majlisi M. Bihar Al-Anwar. Tehran: Islamieh; 2009. (Arabic).
35. Johari I. Al-Sahah, Taj al-Lingha wa Sahah Al-Arabiya. Beirut: Dar al-Alam for the Malays; 1984. (Arabic).
36. Ansari M. Faraid al-Osul. Qom: Dar al-Alam; 2009. (Arabic).
37. Mohaghegh M. Rules of Jurisprudence. Tehran: Islamic Sciences Publishing Center; 2009. (Persian).
38. Janki F, Roustaei M. Justification of criminal intervention, principles and necessities. Criminal Law Research. 2013;2(3):57-69. (Persian).
39. Moghaddasi M, Yazdani J. Criminal intervention in the field of family from the perspective of the principles of criminology. Jurisprudence and Family Law (Nedaye Sadegh). 2018;23(69):157-71. (Persian).
40. Isa-Zadeh K, Mohammadi J. A Study of the Rule of Denying Difficulty in the Jurisprudence of Religions. Hablat al-Matin. 2014;3(7):39-50. (Persian).
41. Naeini M. Miniyeh al-Talib fi Sharh al-Makasib. Qom: Islamic Publications Office of the Teachers Association of the Seminary of Qom; 2019. (Persian).
42. Mousavi M, Malekafzali M. The role of the rule of negation of hardship in the strength of men in the family from the perspective of Shiite jurisprudence and the law of the Islamic Republic of Iran. Jurisprudential and legal studies of women and the family 2015;1(2):170-90. (Persian).
43. Ayati M, Salimi M, Mahdavi H. Analysis of Differences in Women's Rights in Imami Jurisprudence and Article 16 of the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women (focusing on equal rights of couples during marriage and its dissolution). Tehran Science and Research. 2015;11(1):71-93. (Persian).
44. Shertuni S. The closest sources in the Arab world. Qom: Maktab al-Ayatollah Marashi; 1983. (Persian).
45. Zangiabadi M. Sharia in the light of expediency. Kerman: Publication of cultural services; 2015. (Persian).

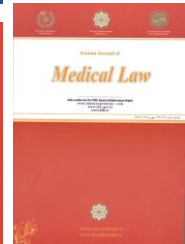


The Iranian Association  
of Medical Law

MLJ

Medical Law Journal  
2021; Legal Innovation

Journal Homepage: <http://ijmedicallaw.ir>



## ORIGINAL ARTICLE

# Analysis of jurisprudential and legal principles of criminalizing violence against women

Jamal Aldin Mohammad Sheykh Bahaei<sup>1</sup>, Ali Bahrami Nezhad<sup>2\*</sup>, Mohammad Bahrami Khoshkar<sup>3</sup>

1. PhD Student in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Private Law, Higher School and Shahid Motahari University, Tehran, Iran.

## ARTICLE INFORMATION

**Received:** 15 March 2021

**Accepted:** 17 June 2021

**Published online:** 9 August 2021

### Keywords:

Violence Against Women  
Crimes Against the Family  
Principles of Criminology  
Social Order

### \* Corresponding Author:

Ali Bahrami Nezhad

**Address:** Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

**Postal Code:** 11489-63537

**Telephone:** 21-77528726

**Email:** Ali.b.nejad@gmail.com

## ABSTRACT

**Background and Aim:** Violence against women is an unpleasant phenomenon that occurs in various forms such as physical, psychological, social, economic, cultural and sexual violence, and addressing this issue is inevitable. Although the legislature has explained and legislated the provisions in the criminal law, it has not paid attention to it in the family protection law.

**Materials and Methods:** This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

**Results:** The research findings showed that, firstly, in different legal regimes, there are common criteria for criminalizing family crimes. Second, in order for criminology to be effective, this process must be in harmony with the social, cultural, religious, and moral values and morals of individuals in society. Finally, in the field of the legitimacy of criminalizing violence against the wife, we can refer to jurisprudential principles such as verses and hadiths that explicitly condemn or prohibit violence against the wife.

**Ethical considerations:** In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

**Conclusion:** In the field of the legitimacy of criminalizing violence against the wife as one of the important crimes in the field of family, we can refer to valid jurisprudential principles; Verses from the Holy Quran as well as the narrations of the Infallibles (AS) have also confirmed the claim that they explicitly condemn violence against the wife and in some cases boycott it, and even in some cases such as the wife's qazf, the husband deserves the punishment of hade qazf. It is a kind of severe corporal punishment.

© Copyright (2018) Iranian Association of Medical Law, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Sheykh Bahaei JM, Bahrami Nezhad A, Bahrami Khoshkar M. Analysis of jurisprudential and legal principles of criminalizing violence against women. *Medical Law Journal* 2021; Legal Innovation.

This open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution NonCommercial 4.0 License (CC BY-NC 4.0).